



درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

۹۹/۰۴/۰۲

« فهرست دروس بسم الله الرحمن الرحيم »

محتویات

۱- حدیث اخلاقی

۲- خلاصه جلسه گذشته

۳- احتمال سرایت منجر است

۴- پرسش: ملاک تشخیص عرف است یا حکومت؟

۵- احکام دیگر در سرایت

۵.۱- لزوم پرهیز از لوازم بیمار

۵.۲- ازدواج با بیمار کرونایی

۵.۳- ضمان در بیماری کرونا

موضوع: مسائل مستحدثه/مسائل کرونا /حکم ضمان در سرایت

۱- حدیث اخلاقی

وأخبرني أبو حفص عمر بن محمد ، قال : حدثنا علي بن مهرويه

، عن داود بن سليمان الغازي ، قال : حد ثنا الرضا علي بن موسى

، قال : حدثني أبي موسى بن جعفر ، قال : حدثني أبي جعفر بن

محمد ، قال : حدثني أبي محمد بن علي ، قال : حدثني أبي علي

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر

رجال

دروس به زبان عربی

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنمای تقریر نویسی

پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

دریافت نرم افزار

زمان درس ها

نحوه گفتگو

تالارها

امکانات جانبی

سوالهای متداول

مشکل نمایش حروف فارسی

بن الحسین ، قال : حدثني أبي الحسين بن علي عليهم السلام قال : سمعت أمير المؤمنين عليه السلام يقول : الملوك حكام على الناس ، والعلم حاكم عليهم ، وحسبك من العلم أن تخشى الله ، وحسبك من الجهل أن تعجب بعلمك. [۱] ﴿بعضی نسخه‌ها بعقلک دارد﴾.

ما در احادیث اخلاقی جلسه‌های گذشته عرض کردیم که خشیت الهی منحصر به علما است. طبق قضیه محصوره ﴿انما یخشى الله من عباده العلماء﴾ [۲]. خشیت خاص به این طایفه است. عالمی اهل خشیت است که قول او فعلش را و فعل او، قولش را تصدیق کند. دو طرفه است. به قول اهل حکمت طوری باشد که قضایای که از خارج هم می‌گیرد قضایایی باشد که با اندیشه او سازگار باشد. اندیشه او حاکم بر فعل و کار او باشد. حضرت می‌فرمایند از دانش همین بس که انسان از خدا بترسد. کلمه حسبی در دعاهاى ما زیاد است. حسبی الله و نعم الوکیل. [۳] کفایت می‌کند از دانش اینکه از خدا بترسد. علمی که به خشیت منتهی شود کمال علم است و این صفت کمال علم است. علمی منتج است که به خشیت برسد. اصطلاحات کارایی ندارد. فقط تا یک جایی کاربرد دارد. برای دائرةالمعارف‌ها و کتاب‌ها خوب است برای عرضه مناسب است؛ ولی همین اصطلاحات اگر از دارایی نفسانی باشد ارزشمند است. باید بکوشیم خشیت الهی را در دلمان نهادینه کنیم. اگر خدای نکرده انسان عالم باشد ولی خداترس نباشد هیچ علمی او را فایده ندارد و نجاتش نمی‌دهد. اگر علمش تبدیل به عمل به اوامر الهی و ترک نواهی شد موفق است. اینکه گناه نکند. گناه مسیر علم را دچار دست‌انداز می‌کند. دست‌اندازهای علمی شبهات علمی و شهوات عملی است. عالم خداترس از این دو به دور است.

در فراز دوم فرمودند برای جهل انسان کافی است که عجب زده به علمش شود. بگوید کتاب من قلم من شاگرد من محراب من و آنچه متعلق به این امور ظاهری است. حجاب می‌شود آن هم حجاب اکبر. حضرت امام رحمه الله فرمودند علم حجاب اکبری می‌شود [۴] و حجاب اکبری است که اگر انسان عالم در آن بماند از برکات الهی مأیوس می‌شود. اربعین ایشان را بخوانید. در فرازی از الهی نامه گفتیم: تا می‌توانید در رفع حجب بکوشید نه در جمع کتب. [۵] اگر جمع کتب فضیلت بود کتابخانه‌دارها باید با فضیلت‌ترین و موفق‌ترین باشند ولی اینگونه نیست. نه مدرک و نه سرمایه‌های مادی ره به جایی نمی‌برد. خودبین و خودپسند نباشیم. همه چیزها را به حزب و گروه خود نسبت ندهیم. معیار خشیه الله باشد. فرق است بین خوف و بین خشیت. علما بالله خشیت دارند ولی خوف ندارند. چرا که عالم بالله به اولیاء الله می‌رسد که ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾. [۶] عجب دست‌انداز بزرگ علمی است و حد یقف ما می‌شود.

۲- خلاصه جلسه گذشته

مسائل مستحدثه را باید بر آیات و روایات عرضه کرد و حکم آن را استخراج کرد.

بیماری‌های حاد تنفسی مانند کرونا که سرایت دارند گفتیم نمونه‌های تاریخی دارد و در امت‌های گذشته بوده است. در روایات هم نمونه‌هایی وجود دارد که روایات را محضران عرض کردیم. طاعون، وبا و جذام را به عنوان نمونه‌هایی گفتیم.

به این نتیجه رسیدیم حکم امثال واحد است. همان طور که در مباحث عقلی حکم امثال واحد است در موارد فقهی هم می‌توان حکم موارد مشابه را به هم سرایت داد. اگر موضوع مشخص شود احکام وضعی و تکلیفی معلوم می‌شود.

با توجه به آیه تهلكه در مسائل مهلكه كه ملت و دولت را درگير مى كند بايد چند كار را انجام دهيم:

۱. بايد انفاق فى سبيل الله داشته باشيم. عامه اين را فقط در راه جنگ مى دانستند. اماميه فقط مصالح عامه مى دانستند. ما عرضمان اين شد كه آنچه قصد قربت در آن مىسر شود همان طور كه صاحب عروه فرمودند **فى كل قربة**، فى سبيل الله در آن صادق است. دو دوست، زن و شوهرى مثلاً دعوايشان شده، اگر به عنوان دوستى شخصى باشد شبهه زكوات و اخماس در آن هست ولى اگر قربة الى الله است اشكالى ندارد. گرچه عنوان اولى دوستى است. در بيمارى هاى فراگير و واگير نخستين چيزى كه پيش بينى و پيشگيرى مى كند بحث گرايش عمومى و بسيج عمومى و هماهنگى مسلمانان است براى مقابله است.

مقام معظم رهبرى دامت بركاتة فرمودند مردم ما و كادر درمانى ما خوش درخشيدند. [۷] اين همان **﴿و انفقوا فى سبيل الله﴾** [۸] است. در بحث فقهى هم گفتيم براى درمان و افراد درگير مصرف زكات و خمس جايز است.

۲. نبايد خود را در تهلكه بيندازيم. اين اولين کاربرد اين ريشه و اين هيات در قرآن است. مصدر آن مانند تزكيه و تذكره است بايد تهلكه باشد ولى تهلكه است. اين استعمال خاص است. **﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾** [۹] نبايد جانهاى خود را با دست خود به خطر بيندازيم. قرنطينه هم به لحاظ شخصى و هم به لحاظ اجتماعى مبنا دارد.

روايات را هم گفتيم. قرنطينه اگر طورى است كه يقع فى الارض يعنى فراگيرى كلى است بايد فرار كند. در روايت على بن جعفر آمده بود. تا در مسجدى كه نماز مى خواند طاعون نيامده فرار اشكالى ندارد ولى وقتى در مسجد او واقع شد ديگر نبايد فرار كند. گفتيم اين مسجد نماد است. شامل خانه او هم مى شود. تا

به خانه نیامده است و محله فرار باید از آن داشت ولی اگر آمد
مصدق لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة این می شود که خود و
دیگران را به خطر نیندازیم و مراقبت کنیم.

برخی موضوعات مسائل فقهی ما و مسائل جدید مانند کرونا
وقتی شناخته شد احکام مختلفی نسبت به آن شناخته می شود.

این احکام یا تکلیفی است و یا وضعی.

تکلیفی مانند نماز و وضو و کیفیت آن که گذرانیدیم. مصرف
زکات و خمس را درباره مقابله با بیماری برای عده و عده قابل
مصرف است.

۳- احتمال سرایت منجز است

در بحث مراقبت و پرهیز با دو عنوان درگیر هستیم:

یک عنوان و مطلب یقین به موضوع هلاکت است که از سرایت
ناشی می شود. اگر یقین داشته باشیم قطعاً لا تلقوا کارساز است.

اما یک بار هم ممکن است احتمال سرایت بدهیم. آیا احتمال
در اینجا منجز هست؟ با کمال معذرت از اصولیون و فقهای که
احتمال را طریقی می دانند ما موضوعی می دانیم.

مبنا وقتی تغییر کرد آنچه مبتنی بر آن هم باشد تغییر می کند. ما
احتمال را هم منجز می دانیم. بیماری ای واگیر شده است و
سرایت کرده است. وبا، طاعون یا کرونایی آمده است و نظریه
تخصصی پزشک ها یا واقعیت خارجی که می بینیم سرایت است.
نمی دانیم جایی افراد مبتلا هستند که منتقل شود یا خیر؟ در اینجا
احتمال منجز است و تکلیف آور است. نباید بگوییم اصل عدم
سرایت است. باید بگوییم اصل سرایت است. چرا که امر واقع
شده سرایت است و امر تخصصی بیان شده هم سرایت است.
این احتمال عقلایی است.

دلیل سوم دلیل عقل است بعد از آیات و روایات.

عقل حکم می کند که:

الف) عدم پرهیز و عدم مراقبت ظلم به نفس است؛

ب) و هم ظلم به غیر است.

نتیجه: ظلم نیز قبیح است.

۴- پرسش: ملاک تشخیص عرف است یا حکومت؟

ملاک اصل موضوع بیماری است. اینکه مردم ۸۰ درصد مراقبت می‌کنند یا ۳۰ درصد مهم نیست. احتمال را موضوع واقعی می‌دانیم در نتیجه باید کاملاً مراقبت شود. هم عقلی است و هم عقلایی.

ما احتمال را موضوع می‌دانیم نه محتمل را. بلکه اگر دلیل داشتیم محتمل اقوی است بحث دیگری است.

پس مراقبت فردی و جمعی لازم است و واجب. احتمال هم منجز است. القا به هلاکت هم شفاف است.

۵- احکام دیگر در سرایت

احکام دیگر هم بر آن مترتب می‌شود:

۵.۱- لزوم پرهیز از لوازم بیمار

اشیا و لوازمی که بیمار مبتلا با آن مرتبط است، آیا پرهیز از آنها لازم است؟ بلکه پرهیز از لوازم شخصی آن فرد هم لازم است. احتمال در اینجا هم منجز است.

احکام دیگری که بر این بیماری مترتب می‌شود این است که ضمان هم دارد. اگر کسی دیگری را مبتلا کرد عن علم باشد یا عن جهل باشد، ضامن است. اگر یقین به سرایت دارد و یا احتمال بیمار کردن دیگران را می‌دهد از باب پیشگیری از تهلکه واجب است پرهیز کند. ترک الواجب هم حرام است. مراقبت نکردن حرام است. این شخص اگر این کار را بکند ضمان بر او مترتب است.

۵.۲- ازدواج با بیمار کرونایی

حکم دیگری که مترتب است، شخص مبتلا به کرونا یا ایدز در حال ازدواج است یا عقد بسته است، آیا از عیوبی هست که ازدواج را فسخ کند یا خیر؟

چنانچه در تمثیل استفاده کردیم از روایاتی که برص و طاعون و وبا داشت. اینکه نیاز به صیغه طلاق نباشد. چهار پنج عنوان داشتیم در روایات که نکاح فسخ می شود. یا نیاز به اجرای صیغه طلاق است. موضوع این حکم را نمی توانیم بگوییم از عیوبی است که فسخ کنند نکاح است یا خیر؟ موضوع مریضی ما آن قدر حاد هست که ابتلای نسلی داشته باشد یا خیر؟ آیا واگیری جمع فعلی و جمع شأنی هر دو را دارد؟ اگر چنین باشد بعید نیست از مریضی هایی باشد که بتوانیم در مانند جذام داخلش کنیم که مانع تداوم زندگی مشترک است.

کرونا برای جمعیت آینده فعلا می گویند مشکل ساز نیست. نسل را مبتلا نمی کند ولی ایدز این طور است که نسلش هم مبتلا می شود. کسی هم که با او درگیر است احتمال ابتلا دارد. در ایدز نظر فقهی ما این است که عقد را فسخ می کند ولی احتیاطا صیغه طلاق را بخوانند.

ولی از دیدگاه ما در مثل کرونا که شأنت آن موضوعش هنوز مشخص نشده است جزو عیوب فسخ کننده نکاح نیست. این مراقبتی که باید بشود آیا فعلی است یا شأنی؟ اگر از عیوبی باشد که با تداوم زندگی مشکل داشته باشد ممکن است فسخ کند.

۵.۳- ضمان در بیماری کرونا

به نظر ما طیب هم اگر در درمانش نکوشد یا کم توجهی و بی توجهی کند یا کادر درمانی ضامن است. اگر کسی با تجهیزات وارد شود مصداق تهلکه نیست. گرچه خطر دارد و فداکاری می کند.

ملاحظه کنید وسائل کتاب الدیات ابواب موجبات الضمان باب ۲۴، مرحوم صاحب وسائل بابی دارند: باب ضمان الطیب و البیثار اذا لم يأخذ البرائة. پزشک و دامپزشک ضمان دارد اگر برائت اخذ نکند.

این باب بندی احادیث باید امروز دوباره انجام شود با موضوعات جدید.

(۱) محمد بن یعقوب ، عن علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن النوفلي ، عن السكوني ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال : قال أمير المؤمنين عليه السلام : من تطب أو تبيطر فليأخذ البراءة من وليه ، وإلا فهو له ضامن. [۱۰]

حدیث خوبی است و صحیح و قابل استدلال است.

(۲) عن السكوني ، عن جعفر ، عن أبيه ، أن عليا عليه السلام ضمن ختانا قطع حشفة غلام. [۱۱]

سبب ضمانت چیست؟ باید بحث کنیم.

بحث حکومت را باید بگوییم که وظیفه آنها را خواهیم گفت. آیا حاکمان اسلامی هستند یا حاکم جور را هم شامل می شود؟ نتیجه اینکه اگر موضوع حکمی تکلیفی یا وضعی صدق کرد، باید به توابع آن ملتزم باشیم.

[۱] الأمالي - ط دار الثقافة، الشيخ الطوسي، ج ۱، ص ۵۶.

[۲] فاطر/سوره ۳۵، آیه ۲۸.

[۳] النخصال، الشيخ الصدوق، ج ۱، ص ۶۲۵.

[۴] صحیفه نور، خمینی، روح الله، ج ۱۹، ص ۹۲.

[۵] الهی نامه، عباسی خراسانی، هادی، باران حکمت.

[۶] یونس/سوره ۱۰، آیه ۶۲.

<https://farsi.khamenei.ir/news-> [۷]

[.content?id=۴۵۵۵۸](#)

[۸] بقره/سوره ۲، آیه ۱۹۵.

[۹] بقره/سوره ۲، آیه ۱۹۵.

[۱۰] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۲۹، ص ۲۶۰،

أبواب موجبات الضمان، باب ۲۴، ح ۱، ط آل البيت.

[۱۱] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۲۹، ص ۲۶۱،

أبواب موجبات الضمان، باب ۲۴، ح ۲، ط آل البيت.



www.baharsound.ir, www.wikifeqh.ir, lib.eshia.ir